■ سال بیست‌وششم ■ شماره ۷۳۱۵ ■ دوشنبه ■ ۱۸ فروردین ۱۳۹۹

ایران

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سردبیر: جواد دلیری

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
www.iran-newspaper.com

اذان ظهر ۱۳/۰۶ | اذان مغرب ۱۹/۴۹ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | اذان صبح فردا ۵/۱۵ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۱

سخن روز

امام علی علیه السلام:
کسی که صبر وی را نجات نبخشد، جزع و بی‌تابی وی را از پای در می‌آورد.
نهج البلاغه(صبحی صالح) ص ۵۰۲، ح ۱۸۹

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی: در پایتخت امسال فقدان الوند را بیشتر حس کردیم

پارسال در دیدار نوروزی منزل استاد سیروس الوند رفتم، به یاد خشایار الوند که اولین عید بود که نبود. امسال در پایتخت، غم فقدانش را بیشتر حس کردیم. گویا او بود که به آن جان می‌داد. طنز ملیح و درک عمیق از فرهنگ و سنت ایرانی را در پایتخت به یادگار نهاد.

متن توئیت
سیدعباس صالحی

ایرج راد: سلامت جامعه به اتحاد نیاز دارد

تمام این سختی‌ها را به واسطه در خانه ماندن و خود قرنطینگی تحمل می‌کنیم تا فردا بتوانیم بار دیگر لبخند را بر لبان خود، خانواده و تمامی جامعه‌مان همسو با بهار طبیعت نظاره کنیم. امروز نقش هریک از ما در مسیر قطع زنجیره کرونا، یادآور بزرگ‌ترین نمایش اتحاد و همدلی است که می‌توانیم برای سلامت خود، خانواده و جامعه‌مان ایفا کنیم.

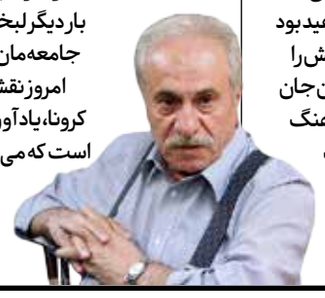

بخشی از گفته های رئیس هیأت مدیره خانه تئاتر در ایرنا

در جامعه‌ای بزرگ شده بودم که تند خویی برای مرد مش عادت شده بود و قوانین پایه این بود که اگر کسی تو راکتک نمی زد یعنی اتفاقی نیفتاده بود، پس چطور ممکن بود چیزی تو را تهدید کند که حتی وجودهم نداشت.

شیرفروش
آنا برنز
سونیا سینگ
نشر مجید

نـــگاره
فیروزه مظفری

به فکر آن‌ها که «خانه» ندارند باشیم

روزهای قرنطینه و در خانه ماندن را چطور بگذرانیم؟

توشه‌ای شیرین برداریم از این روزهای تلخ

سوژه روز

بهروز غریب‌پور
کارگردان

این روزها و شب‌ها فرصت بسیار زیاد و خوبی دارم برای مطالعه بیشتر و تماشای فیلم و انجام کارهای عقب افتاده؛ اما از طرف دیگر اوضاع بسیار بدی که پیش آمده و شبانه‌روز شنیدن اخبار این مرگ و میر و شیوع این ویروس هم واقعاً نگران‌کننده و تلخ است. به هر صورت من هم به تحرک عادت دارم و هم به یک‌جا نشینی و تمرکز. همین چند روز پیش بود که داشتم به یادداشت‌هایی که برای خودم می‌نویسم نگاه می‌کردم که دیدم چندوقت پیش جمله‌ای نوشته‌ام با این مضمون که «من الان میز اتو را میز کارم کرده‌ام. چون در حال نقاشی هستم. پسرم آران خوشبختانه دانشگاه رفته و دخترم اولین نمایشگاهش را برگزار کرده و من شصت‌ساله شده‌ام و حالا در انبوهی از قوطی‌های رنگ و قلم‌مو در حال نوشتن هستم.» البته همانطور که آمد این یادداشت روزانه، جدید نیست و به گذشته برمی‌گردد اما منظور از مطرح کردن و نوشتن‌اش این بود که من سازش‌کار نیستم اما سعی می‌کنم خودم را با شرایط وفق بدهم. برای من یکی از شخصیت‌های بزرگی که همیشه درس‌های فراوانی در زیست و زندگانی‌اش به من داده مولاناست که اپرای عروسکی آن را هم ساخته‌ام. این روزها بازهم فرصتی پیش آمده تا دوباره در حال و احوال شخصی و زندگی و زمانه‌اش که با حمله مغول آغاز شد نگاهی دوباره و دقیق‌تر از قبل بیندازم و سعی کنم درسی برای این روزهایی که در آن هستیم بیاموزم. نکته مهم درباره مولوی که او را شخصیت یگانه‌ای در تاریخ و فرهنگ و ادبیات ایران و جهان می‌کند این است که او به تمامی اجزای هستی و زندگی بشر توجهی ویژه داشته است. در کودکی، بزرگسالی، ارتباط انسان‌ها و مصائب و مسائل روزگارش آنقدر دایره دقت عجیب و شگرفی دارد که انسان به‌حقیقت شگفت‌زده می‌شود. همین است که می‌نویسم باید این روزها، مولانا را دوباره خواند و از او درس‌های تازه گرفت که به درد بشر امروز و گرفتار در این مصیبت‌ها می‌خورد. هیچ اتفاقی نیست که از دایره دقت مولانا بیرون باشد پس مولوی درون و بیرون انسان را درست می‌بیند و این انسان را، موجودی رها شده در میان کهشکان‌ها نمی‌بیند بلکه او را به‌عنوان یک مجموعه‌ای می‌بیند که رو به کائنات دارد. انسانی با این پیچیدگی‌ها در نظام پیچیده کهکشانی باید جایی برای خود پیدا کند و این مسأله تا قیام قیامت ادامه خواهد داشت و به همین دلیل هم هست که مولوی تا قیام قیامت، به‌دلیل ارجاع‌پذیر بودنش زنده خواهد ماند. این روزها، با وقت بیشتری که در اختیار دارم به این مسائل بیشتر فکر می‌کنم و با رجوع به آثار مکتوب و منقول سعی می‌کنم به این شگفتی‌ها پی ببرم تا روز و روزگار خود را در خانه به بطالت نگذرانم. اوست که در بدترین شرایط روحی و جسمی هرگز دست از مکتوبات برنداشت و آنچه می‌اندیشید را انشا می‌کرد تا کاتبان بنویسند و برای بشر آینده، که گذشتگان، ما و آیندگان هستند، یادگار بماند.

بسیاری می‌گویند، جوان‌های ما امروز از ادبیات، فرهنگ و هنر ملی دورافتاده‌اند و از آن بریده‌اند. اتفاقاً این روزها، دوستانی با من تماس گرفتند از نسل جوان، که از تنهایی و ماحصل در خانه‌ماندن و در قرنطینه‌ماندنشان گفتند که من شگفت‌زده شدم از این اتفاق مبارک. به هر صورت، ما در تاریخ کشورمان از این روزها، فراوان داشته‌ایم و از آن گذشته‌ایم. ازاین بلا نیز خواهیم گذشت و دوباره، جوان‌هایی را می‌بینیم که به سالن‌های نمایش می‌آیند تا با ذوق و شور و شعف تئاتر تماشا کنند و زندگی خود را با هنر به سمت و سوی تعالی و پختگی ببرند. پس این روزها که مجبور به خانه‌نشینی شده‌ایم، سعی کنیم بیشتر به خودمان بپردازیم و توشه‌ای شیرین از این روزهای تلخ با خود به آینده ببریم.

دل قوی دار سحر نزدیک است

نگاه روز

بهمن پناهی هنرمند پیشکسوت که اکنون در پاریس زندگی می‌کند این روزها برای بهترشدن حال مردم فراخوانی در فضای مجازی داده و از هنرمندان، موسیقیدانان و طراحان و هرکس که به نوعی دستی در عالم هنر دارد، خواسته است تا قطعه «دل قوی دار سحر نزدیک است» را با هنر خلاقانه خود ارسال کنند تا در فضای مجازی منتشر کند و به نوعی حال این روزهای مردم در قرنطینه را خوب کند.

بهمن پناهی
خوشنویس، موسیقی نواز و مبدع هنر موزیکالگرافی

امیدوارم سال نو با وجود شروع نه چندان خوشایندی که داشته در ادامه پر از شادی و تندرستی و خوشبختی برای ایرانیان باشد و فرصتی شده باشد تا دوباره قدر با هم بودن و یکپارچگی و دوستی و عشق را بیشتر بدانند.

قبل از هر چیز از صمیم قلب از کادر پزشکی و بهداشتی و درمانی کشور بسیار سپاسگزارم. می توانیم حدس بزنیم که در چه شرایطی در حال کار و زحمت و همدلی و یاری بیماران و مردم هستند. از صمیم قلب آرزو می کنم خداوند به آنها تندرستی و دل شاد و قوت بدهد تا به کارشان ادامه دهند و سال نو برای آنها از همه بیشتر، بهتر و پربرکت تر باشد.

من ساکن پاریس هستم. ۲۰ سال است که درفرانسه زندگی می کنم. ما هم در اینجا در قرنطینه هستیم. شاید به نحوی سختگیرانه‌تر از ایران. برای رفتن به بیرون از خانه حتی برای یک خرید کوچک در اطراف منزلمان مجبوریم یک فرم مخصوص پر کنیم با ساعت و مشخصات و با کارت شناسایی تا در صورتی که پلیس از ما بخواهد آن را ارائه کنیم در غیر این صورت جریمه قابل توجهی می شویم. موضوع جریمه نیست بلکه سختگیری دولت برای خانه نشین کردن افراد است. امیدوارم در ایران با اینکه این روش سختگیرانه وجود ندارد مردم با فرهنگ ایران با وجدان خودشان و با همدلی و همیاری‌ای که نسبت به هموطنان خود دارند کمک کنند تا مشکل حل شود. من به عنوان یک هنرمند و معلم هنر این شانس را دارم که در خانه کارهای بسیار متنوع در ارتباط با کار حرفه ای و هنری ام انجام دهم و می توانم از آن بهره برداری مثبت انجام دهم . شاید در زمان عادی وقت نداشتم و کمتر به برخی پروژه ها و خلق آثار مختلف که اکنون انجام می دهم توجه می‌کردم و مخصوصاً رشته کاری که شاید کمتربرایش وقت می گذاشتم امروزه برایش وقت بیشتری می گذارم. در مورد قطعات کوچکتر و سنتی تر مدت ها بود که زمان و ریتم کاری ام کندتر از قبل شده بود چون به کارهای دیگر با تکنیک های دیگر می‌پرداختم و برای برگزای نمایشگاه هایم بیشتر وقت می‌گذراندم. حالا فرصتی شده که مشق‌های شبانه و به تعبیر خوشنویسان سیاه مشق هایم بیشتر شده است و خوشحالم چون یک حس نوستالژی به آنها دارم چون از دوران نوجوانی به طور روزانه و شبانه مشغول مشق و تمرین بودم و دوباره این حس برگشته است.

و چه در فضای مجازی اصولاً از فضاهای خارج از تخصصم در فضای مجازی پرهیز می کردم اما اینبار به دلیل ویژگی خاص این بحران و مشکل برای بشریت و مردم و در شرایط کشور ما که سختی‌ها و مسائل مختلف گریبانگیرش هست که همه از آن اطلاع داریم از جهت اقتصادی و ... در این ارتباط کاری انجام دادم. یک چالش و فراخوانی را در فضای مجازی انجام دادم با نام دل قوی دار که برداشتی بود از شعر معروف حمید مصدق که گرچه شب تاریک است دل قوی دار سحر نزدیک است و دراین فراخوان از همه هنرمندان و دوستان و اساتید درخواست کردم با یک قطعه خوشنویسی یا یک قطعه سازی و آوازی یا طراحی یا حتی یک پیام این جمله زیبا و قوت بخش دل قوی دار را به مشارکت بگذارند و تقسیم کنند با همه مردم. و یک انرژی دوباره در جامعه و مردم ایجاد شود. مخصوصاً برای کادر پزشکی و درمانی و بهداشتی کشور که سخت در تلاشند و لحظات دشواری را سپری می کنند یک سپاسگزاری و یک قوت قلبی باشد. خوشبختانه این فراخوان بازخورد خوبی داشت و صدها نفر با خواندن و نوشتن و سرودن و با یک طراحی کوچک یا پیام صوتی کوچک جمله دل قوی دار را در فضای مجازی به اشتراک گذاشتند که از همه آنها تشکر می‌کنم و خواهش می کنم این کار را دنبال کنند چون هر قطره ای از نیت و انرژی های خیرخواهانه ما می‌تواند مثمرثمر باشد و می تواند به مقاومت ما کمک کند تا این دوران را راحت تر عبور کنیم. امیدوارم خیر و برکت و تندرستی به جهان برگردد و همدیگر را بیشتر دوست داشته باشیم . کمتر به نکات منفی دامن بزنیم و بیشتر نکات مثبت را به جامعه تزریق کنیم تا نکات منفی که به روح و جانمان لطمه می زند کمتر به ما آسیب برساند. دل قوی دار سحر نزدیک است.

«توکا در قفس» یوشیج زنده شد

اتفاق روز

از اسفندماه تعدادی از انیمیشن های کوتاه کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان روی سایت اینترنتی این کانون قرار گرفت تا مخاطبان بتوانند آنها را تماشا کنند. انیمیشن «توکا در قفس» که براساس داستانی از نیما یوشیج ساخته شده یکی از این انیمیشن هاست که می توانید آن را در http://omid.kpf.ir ببینید.

مهرداد شیخان
کارگردان

۲۵ سال بعد از نوشتن داستان «توکایی در قفس» توسط نیما یوشیج کتاب مصور آن در سال ۱۳۵۰ توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. سال ۹۱ انیمیشن «توکا در قفس» را براساس همین داستان ساختم. انتخاب این داستان برای انیمیشن یک انتخاب شخصی بود مثل بسیار از آثاری از این دست. داستان «توکایی در قفس» بر اساس یک خط سیر و نگاه آرمانی دنبال می شد. این تم و نگاه حاصل دورانی از زندگی نیما یوشیج بود که می توانست به هر دوره ای تسری پیدا کند. ضمن اینکه فضای وهم آلود و جذابی داشت و اینها ایده خوبی برای تبدیل شان به انیمیشن بودند.

در ساخت انیمیشن «توکا در قفس» ما و امدار بهمن داد خواه هستیم که تصویر سازی های کتاب «توکایی در قفس» را انجام داده و به روش خودش و با تکنیکی نو پدید آورده بود. همچنین وامدار نصرت کریمی هستیم که با صدای ماندگارش این اثر را همراهی کرد. می خواستم نریشن و دیالوگ‌ها را یک نفر بخواند. یک نفر راوی تمام قصه باشد. برایم مهم بود که راوی صدای پخته و پیرانه ای داشته باشد. شاید صدایی مثل صدای نیما یوشیج را می خواستم تداعی کند. اولین موردی که به ذهنم آمد صدای نصرت کریمی بود. صدای کریمی به دلیل تُن وویژگی هایش حس دلنشینی برای قصه گویی داشت. با زنده یاد نصرت کریمی دوستی دیرینه داشتم. روزی که برای این کار به دیدنش رفتم از طرح موضوع بسیار استقبال کرد و کار را پذیرفت. متنی را که از پیش آماده کرده بودم همان روز با هم بازخوانی کردیم ولی درنهایت گفت بهتر است خودش از نو آن را بازنویسی کند که همین طور هم شد.

معمولاً ساخت فیلم و انیمیشن یا حتی یک اثر مستند بر اساس موضوع یا قصه ای آشنا چالش‌هایی دارد. بخصوص آنکه گذشته از متن نوشتاری جزئی از حافظه بصری ما هم باشد. ممکن است کمی محافظه کارانه به نظر برسد اما به نظر من داستان هایی از این دست که چند نسل از آدم ها قصه و تصویرسازی‌های آن را از حفظ اند خود به خود به فیلمساز سمت و سو می دهد تا از موضوع خارج نشود یا در نهایت برای ایده یابی و در همان حوالی داستان پرسه بزند. خواه برای روایت سینمایی یک قصه باستانی با استفاده از تصویرگری های دوران چاپ سنگی باشد و خواه استفاده از ویژگی ها و ترکیب بندی های بصری یک کتاب قصه مصور. در این مواقع الگویی از پیش آماده برای حل مسأله وجود ندارد و باید به تخیل پناه برد. تخیل برای اقتباسی دیگر با روایت و شکل دیگری. به این ترتیب در ساخت انیمیشن «توکا در قفس» در دو بخش جدا اما در عین حال پیوسته برای اقتباس انیمیشنی تلاش کردم. بخش اول قصه و بخش دوم طراحی بود.

قصه به شکل روایتی خلاصه شده در آمد. بعضی بخش ها حذف و قسمت هایی اضافه شد. ویژگی هایی هم برای توالی ریتم در آن ایجاد شد مثلاً در سکانس آخر که توکا برای رهایی اش تلاش می کند. در طراحی‌ها قرار شد طراحی کاراکترها با تغییراتی از کتاب استفاده شوند اما طراحی فضا و اتمسفر فیلم به کلی کار تازه ای بود. چرا که مثلاً تمام نماهایی که در کتاب تصویرگری شده بودند نماهای بسته بودند و نمای عمومی یا لانگ شات وجود نداشتند. همین طور عوامل جوی مثل مه و باران برای تأثیر حسی بهتر به فضاها اضافه شدند. علاوه بر این ها باید به طراحی صدا و فضای شنیداری هم اشاره داشت که همراهی خوبی با فضای دیداری داشته است.

اما در این سال ها انیمیشن «توکا در قفس» به صورت عمومی اکران نشد. طی این سال ها گویا به شکل محدودی نسخه این اثر و تعدادی دیگر از انیمیشن های کانون برای مراکز و کتابخانه های کانون تکثیر و توزیع شده بودند و همین طور در چند نوبت اکران های عمومی و مناسبتی نمایش داشته اما تا جایی که می دانم فقط همین‌ها بوده است. اما از اسفند ماه گذشته اکران اینترنتی تعدادی از انیمیشن های کوتاه توسط کانون صورت گرفته که «توکا در قفس» هم جزو این اکران ها هست. این حرکت خوبی برای نمایش انیمیشن های کانون برای عموم مردم است، اما اینکه چرا تا قبل از این زمان اکران و پخش عمومی تری نشده بود باید از مدیران کانون پرسید. ناگفته نماند که به طور کلی اکران فیلم کوتاه و انیمیشن های کوتاه و تجربی به صورت سیستماتیک در ایران چالش هایی داشته است.

عکس نوشت

سریال ماه رمضانی شبکه یک مشخص شد و «زیر خاکی» به کارگردانی جلیل سامان و با بازی پژمان جمشیدی و هادی حجازی فر قرار است هر شب از این شبکه روی آنتن برود. «زیر خاکی» دو فصل دارد و ساخت بخش هایی از فصل دوم آن با شیوع ویروس کرونا ناتمام ماند اما فعلاً در جدول پخش شبکه یک قرار گرفته است.
ژاله صامتی، گوهر خیراندیش، نادر فلاح، امید روحانی، ایرج سنجری و اصغر نقی زاده دیگر بازیگران «زیر خاکی» هستند.

سایه‌تون کم نشه همسایه

در استقبال از پویش هنرمندان

یادداشت

ارمغان بهداروند
نویسنده

«امید»، کشیده‌ترین مُصوت زندگی است. آوایی که در شادمانی‌ها و ناشادمانی‌ها، ممکن‌ترین مُسکنی است که اجازه نمی‌دهد آوار و آوارگی، پایان انسان باشد. عنصر غالبی که از مغلوب‌ترین قلب‌ها جوشیده است و جان بخشیده است. از عصیان آدم، طوفان نوح، اصحاب کهف، برزخ موسی، چاه یوسف، مرهم عیسی و اقرا باسم ربک مصطفی این آوا شنیده شده است. آوایی که نه از گلوی انسان که فرشتگان فریاد می‌کردند: كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ... و خوشبخت انسان که خداوندی مهربان دارد. خدایی که مشق رحمت را به خود تکلیف می‌کند. این روزها بیشتر از همیشه به شنیدن این آوا دعوت شده‌ایم. این روزها که در تلاطم ترسناک مرگ، پشیمانی‌های تلخی را تجربه می‌کنیم وازناسپاسی‌های خویش شرمساریم، پیشانی‌های تب‌دار بنی‌آدم جز به دستمال نمناک امید، خنک نخواهند شد. این روزها مردمان دورادور از یکدیگر، شکل دیگری از همسایگی را می‌آزمایند. طرحی نو درانداخته شده است که به قول حضرت حافظ: اگرغم لشکر انگیزد که خون عاشقان ریزد/ من و ساقی به هم سازیم و بنیادش براندازیم. این همسایگی، همّت و حمیّت می‌طلبد و هر که به هنر خویش باید این آوا را فریاد کند که دلی از تنهایی نلرزد و تنی از تب ناتوان نشود.

یکی از علائم این همت و حمیّت، پویش هنرمندان است که به رعایت انسان، به میدان آمده‌اند و حق همسایگی خویش را می‌خواهند ادا کنند. می‌خواهند بگویند همه ساکنان یک کشتی باید تا آخرین آن، آرام یکدیگر باشند. صحنه ستایش برانگیزی از فیلم تایتانیک را به خاطر می‌آورم که در واپسین لحظات غرق شدن کشتی که هر کس حتی به شرط مرگ دیگری به نجات خویش می‌اندیشید، ارکستر موسیقی همچنان سرگرم اجرای خویش بود و نُت به نُت زندگی را نوید می‌داد و امید را می‌نواخت.

به گوارایی شنیدن سازها و صداها، به شور شعرها و شیرینی قصه‌ها، جغرافیای این همسایگی بی‌مرزتر خواهد شد. ستایش، سزاوار هنرمندانی است که به شکرگزاری نعمت هنر خویش، به خدمت خلق گرفتار، مصمم‌اند. مگر جزاین است که:

چو در دست است رودی خوش، بزن مطرب سرودی خوش
که دست افشان غزل خوانیم و پاکوبان سرانداز یم
سایه‌تون کم نشه همسایه!

شهروند مجازی
یگانه خدامی

هشتگ
#کرونا

بعضی تصمیم‌های ستاد ملی مدیریت بیماری کرونا که دیروز اعلام شد با انتقاد مردم مواجه شد. دیروز مشخص شد که از شنبه ۲۳ فروردین ساعت کاری اداره‌ها از ۷ تا ۱۴ است در حالی که بسیاری از مردم با توجه به شلوغی خیابان‌ها در روز شنبه منتظر اعلام خبر تعطیلی بودند اما با اعلام خبر کاهش ساعات کاری گفتند این تصمیم کمکی به کنترل بیماری کرونا نمی‌کند. کاربران زیادی با انتشار این خبر در شبکه‌های اجتماعی درباره‌اش نوشتند: چه فرقی دارد.«ساعت کم شود، شانس انتقال کم می شود؟ مهم از خانه خارج شدن است که سبب انتقال بیماریست»، «واقعیت این است تداوم حالت نیمه قرنطینه کرونا برای بیش از ۴۰ روز، امر سختی است. جامعه و اقتصاد فرسوده تاب این فشار و بیکاری گسترده را ندارد. همین که دولت تصمیم گرفته با رعایت پرتکل های بهداشتی، کسب و کارها به صورت پلکانی باز شوند، تصمیم شجاعانه ای است.»، «کاهش ساعت کارکرد ادارات و شیفتی کار کردن کارمندان دیوانسالاری حکومت بیشتر از هرچیز چاقی و بی مصرفی آن را به رخ می کشد.حضور و یا عدم حضور بسیاری از کارمندان و تعطیلی بسیاری از ادارات تأثیری در اداره کشور ندارد.»، «آخه کرونا تا لنگ ظهر می‌خوابه و تا بلند شه یه صبحونه بخوره شده همون ساعت ۲ بعد از ظهر. وقتی میاد بیرون می‌بینه که همه تعطیل شدن رفتن خونه‌هاشون و اینگونه تیر کرونا به سنگ می‌خوره!»، «کرونا دیر از خواب بیدار می‌شه؟ یا دارید برای ماه رمضون آمادگی می‌دید؟»، «این که بدتره. ساعت کاری کمتر یعنی تراکم بیشتر»، «نمی‌دونستیم کرونا ۱۴ عصر به بعد میاد»،«الان ساعت کاری اداری کمتر بشه و برسه به دو بعدازظهر داستان حله؟ شما اصلا ساعت کاری‌رو بکن نیم ساعت، ۸ تا ۸:۳۰ صبح، تاثیر داره؟ به قرآن نه»، «یه سؤالی ذهنم رو مشغول کرده، ویروس از کجا میفهمه کارمند و کارگر و پیشه‌ور کی از ساعت کاری تعیین شده، عدول کردن که مبتلاشون کنه؟ اینکه ساعات کاری نیمه وقته یعنی در اون ساعات آنتی ویروس رومون نصبه؟ ویروس میگه باید الان کمک کشور کنه نگیرمش؟ یا چی»، «خوشبختانه این ورژن ویروس کرونا، از ساعت ۷ صبح تا ۲ بعد از ظهر می‌گیره می‌خوابه و کاری به کار مردم نداره. ولی گفته اگه دانش‌آموز و دانشجو ببینم سر کلاس بیدار می‌شم و همتون رومی‌خورم. ویروس به این با تربیتی، هوشمندی و منطق ندیده بودم»، «خب الان مگه ماه رمضان هست که ساعت کاری کم می‌کنید، یا نکنه ویروس کرونا هوشمنده و ساعت‌های خاصی فعالیت می‌کنه؟»،«تنها برنامه‌شون کاهش ساعات کاری مراکزی است که با ارباب رجوع سرکار دارند. مثلاً بانک ها، انبارها، ادارات و .... واقعاً نمی‌دانند که کاهش ساعت باعث افزایش تراکم و ازدحام می‌شود؟ بر چه اساسی این تصمیمات را اتخاذ می‌کنند؟»